



۳۳

سوسیالسم امروز

۲۷ ژانویه ۲۰۱۸ - ۷ بهمن ۱۳۹۶

S_zijji@yahoo.se

سرود: سلام زنجی

www.simroz.org

اعتراضات اخیر، درسها و تجاربه‌های آن و چشم انداز سرنگونی جمهوری اسلامی

صفحه ۳

پاسخ رهبری حزب به پرسشی در باره اعتراضات اخیر و بیانیه مشترک چند جریان چپ

صفحه ۸

عفرین میدان کشمکش قدرتهای امپریالیستی و منطقه ای

صفحه ۱۱

تداوم فشار و سرکوب فعالان کارگری، لکه ننگی بر پیشانی جمهوری اسلامی

صفحه ۱۳

سفر نیچروان بارزانی به ایران و موضوع احزاب اپوزسیون کورد ایران

صفحه ۱۰

گزارش مختصر از واقعات ناگوار در افغانستان

صفحه ۷

در صفحات دیگر:

”ما تسلیم نمی شویم“

- ”جرم جهنمیان“

- ”سر سطر بنویس.....؟؟؟“

یورش جنایتکارانه دولت ترکیه به کانتون عفرین محکوم است!

اطلاعیه حزب سوسیالیست انقلابی

یورش نیروهای دولت فاشیست ترکیه به کانتون عفرین با "چراغ سبز روسیه" و ابراز "نگرانی امریکا"، روز پنجشنبه ۱۸-۲۰۱۸ با توپ و خمپاره باران شروع شد و روزهای شنبه و یکشنبه با شدیدترین بمباران هوای و آتش توپخانه و لشکرکشی به اوج خود رسیده است. این اقدام جنایتکارانه تاکنون دهها کشته و زخمی بر جای گذاشته است که بیشتر آنها مردم بی دفاع و غیر مسلح شهروندان کانتون عفرین هستند.

آنچه که امروز اجازه داده است تا دولت فاشیست ترکیه به توجیهات دروغین "امنیتی- مرزی" خود پوشش "قانونی" بدهد، وجود تناسب قوای جدید و مساعدتر برای پیشبرد همان اهداف شوم فاشیستی دوره نبرد در کوبانی و همکاری دولت ترکیه با داعش است. تناسب قوای که اکنون به زیان مبارزین دوره نبرد با داعش در کردستان سوریه و روند آزادیخواهانه و به نفع ارتجاع و دولت‌های درگیر در منطقه، از جمله دولت فاشیست ترکیه تمام گردیده است.

رهبری محدودنگر ناسیونالیستی حاکم در کردستان سوریه نتوانست روند مبارزاتی و آزادیخواهانه ای که با "کوبانی" تداعی گردید و باشکست دادن قهرمانانه به یکی از وحشی ترین نیروهای

صفحه ۲

کارگران جهان متحد شوید!

یورش جنایتکارانه ...

سیاه اسلامی، داعش، محبوب و مورد حمایت قطب چپ و جهان متمدن قرار گرفت، رهبری نمایند، و این چهر و محبوبیت و موقعیت مساعد را در منطقه و جهان محفوظ نگاهدارند و به سر انجام بهتری برسانند. با به میان کشاندن طرح مخرب "فدرالی دمکراتیک" (کنفدراسیون شمال سوریه) تا کشاندن آن تاریخ سفید و پر افتخار مبارزاتی پیشین به زیر سایه سیاه ارتش امریکا و قرار گرفتن در میان جنگ نیابتی روسیه و امریکا و متحدین جنایتکار آنها که، درکشتار وسیع و ویران کردن جامعه سوریه نقش جنایتکارانه ایفاء کرده اند، سیاستی را در پیش گرفتند که آشکارا به زیان آن روند و مبارزه آزادیخواهانه تمام شده است.



یورش کنونی دولت فاشیست ترکیه بر بستر این تناسب قوای جدید شروع شده است. دولت اردوغان اکنون در مقابل چشم جهانیان و امریکای "هم پیمان" قدری میکند، مردم مقیم کشور دیگری را کشتار میکند، از مرز عبور میکند و آشکارا در کشور دیگری دارد دخالت مینماید، اما نه جهان مانند سابق به حمایت از "روژاوا" بر خواهد خواست و نه امریکای "هم پیمان" حاضر به دفاع جدی از "پ ی د" و "نیروهای سوریه دمکراتیک" تحت حمایت خود میباشد.

حزب سوسیالیست انقلابی ضمن پای فشاری بر پرهیز کردن شهروندان و نیروهای درگیر در عفرین و منطقه از همکاری رسمی و نظامی با نیروهای امپریالیستی و دولتهای درگیر در منطقه، و تاکید بر تامین منفعت مستقل شهروندان و تبدیل نکردن آنها به نیروی برای پیشبرد جدال و معامله فیما بین امریکا و روسیه و همپیمانان آنها، یورش وحشیانه دولت و ارتش فاشیست ترکیه را قویا محکوم میکند.

حزب سوسیالیست انقلابی از همه نیروهای سوسیالیست و مترقی و افکار عمومی میخواهد در کنار رسوا کردن نقش و طرحهای مخرب امریکا و روسیه و دولتهای هم پیمانشان علیه شهروندان منطقه، از جمله کانتون عفرین، به مقابله با دولت ترکیه برخیزند. باید مانع تداوم یورش وحشیانه مشترک ارتش ترکیه و دیگر شاخه های مرتجع اپوزسیون سوریه به کانتون عفرین و کشتار شهروندان شد.

حزب سوسیالیست انقلابی ایران
iransocialist@gmail.com
 ۱ بهمن ۱۳۹۶
 ۲۱-ژانویه ۲۰۱۸

تعیین حداقل دستمزد کارگران
در صلاحیت نمایندگان منتخب کارگری است!

حداقل دستمزد کمتر از ۴-۵ میلیون تومان برابر با
 تحمیل زندگی مجدد بردگی و تداوم استثمار وحشیانه
 کارگران از سوی دولت و کارفرمایان است.

خانه کارگر، شوراها، انجمنهای صنفی
و شورای عالی کار نهادهای کاملاً دولتی و
ضد کارگری هستند!

<p>درخواست عضویت از حزب</p> <p>فرم ویژه درخواست عضویت در حزب سوسیالیست انقلابی ایران</p>		
نام :		
نام خانوادگی :		
محل سکونت :		
شغل :		
علل پیوستن به حزب :		
سابقه فعالیت سیاسی :		
در چه زمینه ای علاقمند به فعالیت هستید؟		
آیا کسی را درصوف حزب می شناسید؟		
تلفن :		
ای میل :		
<p>اینجانب با قبول برنامه، اساسنامه، سیاست و اهداف حزب سوسیالیست انقلابی ایران، از حزب درخواست عضویت می نمایم. متعهد میشوم که منظمًا به حزب حق عضویت پرداخت نموده و در راستای پیشبرد اهداف حزب بطور متشکل به فعالیت خود ادامه بدهم. به حراست از امنیت و موازین و پرنسپهای حزب متعهد بوده، و اعلام میکنم که در جهت سیاستهای حزب برای سرنگونی نظام سرمایه داری جمهوری اسلامی و دستیابی به یک جامعه سوسیالیستی، آزاد، برابر و مرفه با تمام توان تلاش و مبارزه نمایم.</p> <p>امضا... تاریخ...</p>		
www.simroz.org	آدرس مایل ارسال درخواست عضویت	iransocialist2017@gmail.com

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

اعتراضات اخیر، درسها و تجاربه‌های آن و چشم انداز سرنگونی جمهوری اسلامی

(متن گفتگوی "صدای سوسیالیسم امروز"
با رفیق سلام زیجی دبیر شورای رهبری حزب سوسیالیست انقلابی)



صدای سوسیالیسم امروز: علل فروکش کردن اعتراضاتی که هفتم دیماه سال جاری آغاز گردید در چیست؟

سلام زیجی: اجازه می‌خواهم قبل از پاسخ به سوال شما یکبار دیگر به کلیه خانواده ها و بستگان کسانی که در جریان اعتراضات خیابانی یا در سیاه چالهای جمهوری اسلامی جان عزیزشان را از دست داده اند صمیمانه تسلیت عرض کنم.

چنین فروکش هایی اگرچه ناشی از فاکتورهای متعددی میباشد که به آن اشاراتی خواهم کرد اما باید تاکید کنم که چنین فروکش هایی را به عنوان آتش زیر خاکستری باید تصور کرد و دید و ارزیابی کرد. میتواند در شرایط دیگری و البته در صورت اتکا به سیاست و اهداف مناسبتری مجدداً و با قدرت بیشتر فوران کند. اما در پاسخ به سوال شما، غالباً گفته میشود که ابزار سرکوب جمهوری اسلامی عامل فروکش کردن اعتراضات اخیر است. اما بنظر من باوجود واقعیتی که در آن نهفته است هنوز این دلیل زیاد محکمی نیست، یا حداقل تنها عامل نمیتواند باشد. هیچ تردیدی نیست که جمهوری اسلامی یک رژیم قاتل و سرکوبگر و خشونت آفریننده علیه جامعه بوده و هست، و ابزارهای متعددی در جهت سرکوب و فریب جامعه در اختیار دارد. از رفتار اخیر و وحشیانه شان با کارگران هفت تبه و دیگر مبارزات اجتماعی و فعالین کارگری، تا تحقیر و سرکوب زنان و کشتار مخالفین سیاسی، از جمله سرکوب معترضینی که علیه فقر، بیکاری، فساد و چپاول گری نظام اسلامی و حاکمیت به میدان آمده بودند، همه گواه بر سرکوبگری خشن و بی وقفه این رژیم است.

اما باید بطور جدی توجه داشت که برآستی فقط ابزار سرکوب نیست که رژیم قادر میشود معترضین را پس بزند. به بیان دیگر باید دید که علل بکار گیری موثر ابزار سرکوب رژیم ناشی از وجود چه نوع خلاءهای مهم سیاسی و سازمانی و کمبودهای دیگری است که او قادر خواهد شد هر بار از راه قلدری نظامی و سرکوب میتواند به هدف کثیف خود در جامعه ای که تنفر اجتماعی از رژیم گسترده است نائل میگردد. همیشه همیشه پاسخ ما ابزار سکوب باشد و بدین ترتیب بقیه کمبودهای خود را لاپوشانی کنیم! وقتی جمهوری اسلامی قادر به عقب نشینی و یا فروکش کردن نه فقط چنین اعتراضات گسترده ای در شهرها که فراتر از آن توانسته است قریب به چهار دهه اوج وحشیگری و سرکوب و عقب نشینی را به طبقه کارگر دهها میلیونی تحمیل نماید و توانسته است در خیلی زمینه ها اهداف ضد کارگری و ضد انسانی خودش را متحقق کند، نمیتوانیم صرفاً از کانال سرکوب و خشونت این روندها و بقای تاکنونی چنین رژیمی که همه میگوئیم اکثریت جامعه آنرا نمیخواهد را توضیح داد. بدون تردید عوامل و ضعفهای متعدد و جدی دیگری وجود دارند که حتی چنین امکانی را فراهم کرده تا رژیم بدون ترس و هزینه کردن زیاد از راه زور و سرکوب بتواند فشارها و اعتراضات و بحرانهای پی در پی عبور کند. باید پذیرفت که برای مقابله همه جانبه با رژیم و سازماندهی مبارزه انقلابی و ابزارهای سرنگونی چنین حاکمیت سیاه تروریست و مستبد اسلامی کمبودهای بسیار جدی داشته و داریم. ضعف عدم تشکل و اتحاد طبقاتی کافی و تحزب یابی، ضعف عدم تامین حضور پررنگ افق و هژمونی کارگری و سوسیالیستی بر روند مبارزات و اعتراضات، ضعف رهبری کمونیستی و فرقه بازی و سکتاریسم و پوپولیسم مسموم، نبود ابزارهای متعدد مبارزاتی برای درهم شکستن چنین رژیم وحشی از جمله عواملهای پایه ای و جدی برای عدم پیروزی بر رژیم اسلامی هستند. در نتیجه نادیده گرفتن این کمبودهای واقعی در سر راه مبارزه انقلابی و کارگری خود، و صرفاً همه ناکامی ها را به گردن "سرکوب" جنایتکارانه رژیم بگذاریم، در حالی که مواجه شدن با چنین سرکوبگریهای جزو بدیهیات مبارزه ما با جمهوری اسلامی است، در همان حال فرار از حقیقتهای است که تنها با پذیرفتن آن میتوان در رفع فوری آنها گام برداشت.

یک رکن بسیار مهم پیروزی جامعه ای که خواهان آزادی و برابری و رفاه و امنیت است توجه جدی به سیاستهای رادیکال، شفاف، بدون تعارف و بدون توسل به رویکرد فاسد دیپلماسی بازی با "توده ها" و دنیای سیاست، احزاب سیاسی و نوین مانند حزب سوسیالیست انقلابی ایران است.

این حزب را به عنوان حزب راستین طبقه کارگر، حزب واقعی آزادی زن، حزب جوانان انقلابی، و حزب سازمانده و رهبر جنبش ما برای سرنگونی قهر آمیز جمهوری اسلامی و کلیت نظام فاسد سرمایه داری، استقرار آزادی، برابری و یک نظام سوسیالیستی در آینده بعداز نابود کردن این رژیم جهل و جنایت باید شناخت و به آن پیوست. (سلام زیجی)

آزادی، برابری، رفاه، امنیت!

اعتراضات اخیرم درسها و تجاربهها...

که هیچ ربطی به مبارزه توده های به میدان آمده نه تنها نداشت بلکه در ضدیت با آن نیز ظاهر و عمل کرد. در ضدیت با نفس اهداف آزادیخواهانه جامعه سرکوب شده دست جمهوری اسلامی و سرمایه داران و مذهب و ملت پرستان، تمامیت ارضی خواهان و شوونیستهای کلاهبردار سیاسی بود. لیچک بنفش رجوی و پرچم نر ولیعد و شیروخوشید نر با شمشیر حضرت علی شیعیه جانی و سیستم قرون وسطی سلطنت پادشاهی چه ربطی به آزادیخواهی و عدالت دارد تا مردم عدالتخواه و کسانی که برای آزادی و علیه فقر و استبداد به میدان آمده اند آن را بدست بگیرند. در نتیجه می بینیم این اقداماتی که همزمان مدیای غربی مانند دوره ۵۷ و چهره سازی دروغین از خمینی، رهبران آن جریانات و رشکسته را در این اعتراضات را با بوق و کرنا فریاد میزنند و پول و مدیای وسیع در اختیارشان می گذارند، و سر انجام به روند مبارزه و نفس آزادیخواهی بودن آن حرکتها آسیب رساندند و عملا به فروکش اعتراضات و سرکوب آن کمک نمودند.

شخصا نیز اگر در موقعیت آن معترضین قرار می گرفتیم یا علیه این پرچمها می ایستادیم همانطوری که باید علیه رژیم نیز ایستاد، یا باید صف توده ای و آزادیخواهانه خود را از آنها فوراً جدا می نمودم تا از ما سو استفاده نکنند و به مبارزه ما که هم علیه رژیم و هم پرچم آنها است آسیب نرسانند. از اینرو کاهش اعتراضات بنا به دلایل که اشاره شد بنظر طبیعی است. اما همچنانکه گفته شد بی تردید مبارزه و اعتراضات مجددا گسترش پیدا خواهد کرد. چرا که این رژیم رژیم نامشروع و حاکمیت سیاه، دزد و فاسد و سرکوبگر اسلامی و سرمایه داری است که باید از سر راه برداشته شود. اما برای این امر مهم باید کمبودها را رفع نمود، جامعه از اعتراضات اخیر و دیگر تجارب پیشین خود درس و تجربه جدی بگیرد.

بطور مشخص اینبار با صف مستقل و آزادیخواهانه و محکم خود علیه نظام فاسد اسلامی و همچنین علیه آلترناتیو سازیهای دولت جنایتکار امریکا و همپیمانانش قد علم کند. بدون چنین تلاش و اقدامی صف آزادی و برابری پیروزی را بدست نمی آورد. کارگران و مردم آزادیخواه نباید گوش فرا دهند به شعارهای یوچ جریانات راست ملی و اسلامی و همچنین فریب کاریهای پوپولیستی و "همه با هم" بودن های که در قالب نادرست "چی" بخورد جامعه داده میشود.

بر این بستر بخش عمده نیروهای چپ جامعه ضعیف دارد، کمبود دارد، بیشترشان هنوز ساز دوره سال ۵۷ را میزنند، مبارزه جاری را رادیکال نمیکند، صف انقلابیون و مرتجعین جدا نیست، در "جنبش همگانی" و "انقلاب انسانی" و ملی ادغام شده است، هنوز دم از "انقلاب همگانی" و "بعضا انقلاب ملی" میزند و صفها و منفعتهای طبقاتی متفاوت را مخدوش میکند، در روئیائی "انقلاب سواری همگانی" است و غیره. در همین اعتراضات واقعا صدای بخشی از آن چپ فرقی نداشت با صدای امثال رضا پهلوی. میخوام تاکید کنم که این مجموعه عوامل و ضعفها از نظر سیاسی، بر روان و آمادگی مبارزین صف انقلابیون و کارگری تاثیر منفی گذاشته است. و بدین ترتیب در کنار فاکتور سرکوب و فریب مستمر حاکمیت جنایتکار اسلامی و جناحهای آن، این عوامل سیاسی، سازمانی، سنتی و جنبشی نیز به ناآمادگیها، تنشها، ناپیگیریها، و عدم پیشرویهای سیاسی جنبشهای رادیکال اعتراضی نقش منفی داشته است. شما اگر پوپولیست، دنباله رو، و جزو جنبشها و نیروهایی باشید که به زودبند با بورژوازی "خودی" و قدرت گرفتن از راه حمایت دولتهای طرفدار زندان و اعدام و ارتش و سپاه و سرکوب، متکی است، معلوم است نمیتوانی راه بجائی بریید و معلوم است هر بار زمینه اجتماعی شکست و سرکوب برای "توده ها" فراهم میکنید. بدون سیاستی رادیکال و روشن، بدون آلترناتیوی سوسیالیستی و کارگری کاملا متفاوت از بقیه و بدون داشتن صف متفاوت جنبشی و مبارزاتی نمیتوانید به امید جنبشهای همه با هم و انشالله گریه شیر خواهد شد، شب و روز شیپور انقلابی بزنی که معلوم نیست خودت کجای ماجرا قرار دارید. بیایید چنین قدرت توده ای انقلابی بسازیم آنوقت میبینیم که ابزار سرکوب نه تنها توان سرکوب و فروکش جنبش را ندارد که بناچار روی سرنیزه اش ممکن است به سینه خود سران جانی رژیم نشانه بگیرد.

در اعتراضات اخیر که به حق علیه فقر، گرانی فساد و حاکمیت اسلامی در قریب به یکصد شهر صورت گرفت و جامعه به تحرک جدی در آمد، دیدیم که در کنار سرکوب و فریبکاری رژیم تعدادی که بنظر میرسد سازماندهی شده بودند با الهام گرفتن از میدیای آماده بکار جریانات ارتجاعی راست اپوزسیون با شعار و برجم مختص به آنها در صحنه پیدا شدند

<p>نه شاد نه شیخ، نه قومی نه مذهبی، نه ملی اسلامی ها، نه قدرالایست چی ها، نه اسلام مجاهدینی، نه سیستم رعیت پروری پادشاهی، مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد سوسیالیسم! زنده باد آزادی، برابری، حکومت کارگری!</p>	<p>ما فقط برای یک پیروزی سوسیالیستی مبارزه میکنیم!</p> <p>بدون پیروزی سوسیالیسم هیچ اعتراض و "انقلابی" به نفع طبقه کارگر و اکثریت جامعه تمام نخواهد شد!</p> <p>سلام زیجی S_zijji@yahoo.se</p>	<p>کارگران، زنان، جوانان، مردم مبارز و تشنه آزادی و برابری!</p> <p>برای رسیدن به اهداف خود به صف کارگران و سوسیالیستها، و به حزب سوسیالیست انقلابی ایران بپیوندید! این حزب، حزب شما است! حزب سوسیالیست انقلابی را به جامعه معرفی کنید و در حمایت از آن در شکل محافل و دستجات مختلف خود را سازمان بدهید، خود را با رهبری حزب هماهنگ کنید، و بطور منظم با ما در تماس باشید. iransocialist2017@gmail.com</p>
---	--	--

زنده باد اتحاد و همبستگی طبقاتی کارگران!

اعتراضات اخیرم درسها و تجاربهها...
→

صدای سوسیالیسم امروز: بنظر شما چه درسها و تجاربی از این حرکتها میتوان گرفت و چشم انداز آنرا چگونه ارزیابی میکنید؟

سلام زیجی: مهمترین جوانب درسها و تجربه هایی که باید از اعتراضات این دوره گرفت همان نکات محوری هستند که در سوال قبلی مختصرا به آن اشاره کردم و باید معترضین در ایران بطور جدی به آن توجه داشته باشند. از جمله اکیدا باید توجه داشت که شکل مبارزه و روند پیروزی ما بر جمهوری اسلامی در شرایط کنونی فرق دارد با دوره ای که سال ۵۷ علیه رژیم استبدادی شاهنشاهی و ساواک و زندان به میدان آمدیم. اوضاع کنونی، ویژگی های رژیم حاکم اسلامی و غیره با آن دوران متفاوت است. تجربه مبارزه بی وقفه ما در ۳۹ سال اخیر علیه جمهوری اسلامی آدمکش و همچنین تجربه آنچه که به اسم "بهار عربی" راه افتاد و عواقبها و پیامدهای آن نشان داده است که با نیروهای که با زور و خونریزی و کشتار و اتکا به سنتها و ایدئولوژیهای قرون وسطی و جنایتکاران و فریبنده قدرت را گرفته اند به راحتی قدرت را رها نخواهند کرد. تنها با اعتراض "مدنی" و خیابانی نمیتوان از سر راهشان برداشت. نمیتوان و نباید متکی بود به دولتهای دیگر و دخالت نظامی آنها، چرا که این راه نیز با خود وحشیگری و جنایت و سناریو سیاه می آفریند و جنایتکاران و نیروهای ملیگرا و اسلامیکرای نوکر صفت همان دولتها را سر کار می آورد و دوباره مردم بازنده خواهند بود. باید کلیه ابزارهای ضروری شکل انقلابی سرنگونی چنین رژیم اسلامی را تدارک دید و به آن متوسل گردید نه فقط تظاهرات محدود خیابانی. زمینه اجتماعی سازماندهی مکانیزمهای مبارزاتی، از اعتراض و اعتصاب متحد کارگری تا راه اندازی جنبش توده ای رادیکال و پیشرو و همچنین سازماندهی نیرویی ملیتانت و مسلح وجود دارد و باید همزمان همه این ابزارها را سازمان داد و در خدمت امر سرنگونی رژیم و رسیدن به آزادی و برابری و سوسیالیسم به میدان آورده شوند. در راس این تلاشها بنظر من مهمترین ابزار به میدان آمدن جنبش طبقاتی میلیونی طبقه کارگر ایران است، بنظرم بدون به میدان آمدن این طبقه و رهبرانش، بدون توصل این جنبش به سیاست و افق و اهداف سوسیالیستی و متکی شدنش به مکانیزمهای مبارزاتی موثر خود مانند تحصن و اعتصاب و غیره و بدون آماده شدن برای کسب قدرت سیاسی به همراه حزب سیاسی خود، و بدون شرکت فعال جوانان و زنان انقلابی و کارگران و زحمتکشان در این پروسه مبارزاتی، آزادی و خوشبختی و رفاه همگانی در جامعه ایران پیروز نخواهد شد. طبقه کارگر نه به عنوان احاد منفرد و معترض در خیابانها، انطوری که چپ سنتی همواره کارگران را به خیابانها فراخوان می دهد، بلکه به عنوان یک طبقه مدعی قدرت باید در جایی که شارک حاکمیت و سرمایه داری را قطع میکند و به زانو در میاورد، نقش موثر طبقاتی خود را ایفا نماید. یعنی در مراکز صنعتی و کار و تولید مانند نفت و پتروشیمی و ترانسپورت و برق و غیره.

چشم انداز این اعتراضات و چگونگی روند سرنگونی جمهوری اسلامی نیز بستگی به برخورد ما به موارد فوق و به چگونگی سازماندهی نبرد واقعی با جمهوری اسلامی گره خورده است. روشن است که اکنون فاصله عمیقتری بین جامعه و رژیم افتاده است بعداز این اعتراضات و سرکوب جنایتکارانه متقابل رژیم، اما به نظر من بر عکس آنچه که برخی از نیروهای پوپولیستهای چپ و نیروهای راست و مذهبی در اپوزسیون میگویند هنوز نمیتوان در به نتیجه رسیدن حتمی این "انقلاب" یا "انقلاب ملی" حکم قطعی داد، و در ضمن هر شکلی از سرنگونی و رفتن چنین رژیمی نیز الزاما به معنی پیروزی انسان آزاده در ایران نیست. باید با ملزومات و آمادگی که بر شمرده این امر مهم را تضمین کرد که سرنگونی رژیم فاسد اسلامی مصادف با آزادی و خوشبختی و رهای و خوشبختی انسانها خواهد بود. همچنین گفتم که همیشه با دست خالی و اعتراض "صرف خیابانی" سرنگونش کرد، راست که همیشه ابزار خود را آماده دارد اما جنبش ما نه، باید آنرا بسازد و محکم و استوار وارد میدان شود و اگر وارد میدان نبرد نهائی شدیم باید حتما نبرد را ببریم. در جامعه و صف اپوزسیون نیز از جمله اپوزسیون چپ هنوز مخاطرات و کمبودها و نامادگیها و اشتباهات بسیار زیاد دیده میشود. و این کمبودها به عنوان مانع بر سر راه پیروزیمان قرار دارند. حداقل برای جنبش طبقاتی و سوسیالیستی ما.

جنبش ما باید با هوشیاری و با صف و پرچم روشنتر و واحد تری به میدان بیاید. هیچ اعتراض "همگانی" تا آخر نمیتواند "همگانی" باقی بماند. همچنانکه دیدیم در اعتراضات اخیر هم کسانی که برای آزادی و علیه گرانی و فقر و علیه فساد و استبداد دولتی به میدان آمدند در ادامه با شعارها و "مطالباتی" روبرو شدند که هیچ ربطی به آنها نداشت. در نتیج جنبش ما باید از همان گام نخست با صف و پرچم و مطالبه مستقل خود به میدان بیاید و اجازه ندهد ارتجاع سرمایه داری چه در درون حاکمیت و چه در اپوزسیون از آنها به عنوان نیروی خود برای اهداف ارتجاعی استفاده کنند. کسانی که برای دفاع از لاجک بنفش مجاهدینی و یا سیستم نر سالاری پادشاهی به میدان می آیند هیچ ربطی به صف مبارزه آزادیخواهانه ما علیه نظام فاسد جمهوری اسلامی که سیاست و فرهنگ هر دوی اینها را در خود نمایندگی کرده است، ندارند. توجه به این امر مهم یکی از عواملی است که میتواند شکست و یا پیروزی ما را به عنوان جنبش آزادی و برابری و کارگری رقم بزند، از همینجا و در آغاز کار میتوانیم مانع تکرار تجربه تلخ سال ۵۷ باشیم. آنزمان بخشی از چپ نیز به همراه نیروهای راست چنین کلاه گشادی را سر مبارزین و جنبش ما گذاشتن و گفتند فعلا همه ضد شاه باشیم بعدا در فکر اختلاف و حکومت آتی، فعلا برای "کشور" برای "میهن" و "همه با هم" تلاش کنیم. دیدیم دروغ گفتند و نتیجه اش شد خمینی جلاد و این حکومت وحشیهای اسلامی و دزد و فاسد و ویران کردن زندگی و هستی دهها میلیون انسان از قیام سال ۵۷ تا اکنون، که هنوز هم داریم جوب آن کلاهبرداری سرمایه دارانه و حامیانشان را در ایران و دولتهای غربی شان میخوریم.

←

بر قرار باد جمهوری سوسیالیستی!

اعتراضات اخیرم درسها و تجاربها...

موضوع و تجربه مهم دیگر چگونگی برخورد به "حمایت و مخالفت‌های" دولتهای غربی است. برای جامعه ایران و تاریخ سیاسی آن جامعه که تجربه دوره شاه نوکر امریکا و هم خمینی دست ساز دولت وقت امریکا و فرانسه و دیگران را دارند، و هر دو تجربه علیه کارگر و زن و جوان و پیشرفت و تمدن و آزادی و برابری جامعه ایران بوده است، و همزمان بطور زنده شاهد نمونه‌های ویرانگر و خونین این نوع دخالتها و "حمایتها" را در عراق و سوریه و افغانستان و غیره میبینیم دیگر نباید سخت باشد فهمیدن مضحک بودن تلاشها و سیاست نیروهایی که به چنین دخالت‌هایی متکی هستند و همین امروز دقیقاً بدون یرده پوشی آنها به پیش میبرند. در اینجا است که نباید بی تفاوتی و سکوت بخش عمده نیروهای چپ نیز به حمایت امثال ترامپ را نادیده گرفت. آنها باید بسیار مضر و شکننده ارزیابی کنیم و اجازه نباید داد نقش چنین نیروهای راست و "چپ" ایوزسیون را در صفوف مبارزه از ادیخواهانه و انقلابی خود همراه با جمهوری اسلامی طرد کنیم. جریان چپی که نتوری بافی میکند که نباید مخالف "حمایت دولتهای غربی از مبارزات مردم بود" بنظر من نه چپ است، نه کارگری، نه کمونیست و نه ربطی به روند مبارزه انقلابی توده‌های کارگر و زحمتکش برای رسیدن به آزادی، برابری و سوسیالیسم دارد.

در ضمن باید این توجه را نیز داشت که اعتراضاتی که سرکوب میشود و خون به آن میاشند، و دارای آن ضعفهای هم هست که مختصراً به آن اشاره کردم، طبیعی است برای مدتی عقب نشینی کند. اما این مبارزه ادامه خواهد داشت تا بگورسپردن کلیت این نظام. و گفتیم که تضمین این پیروزی نیز در گام نخست در گرو به میدان آمدن صف متحد و مستقل جنبش طبقاتی و سوسیالیستی جنبشمان، و بدست گرفتن سیاستهای است که امثال حزب سوسیالیست انقلابی ایران طرح و نمایندگی میکند. در گروه سازماندهی جدی کلیه ابزارهای توده ای، کارگری و مسلحانه تحت هژمونی سوسیالیستی است. ما امیدواریم این مبارزات مجددا گسترش پیدا کند، امیدواریم طبقه کارگر ایران نقش پیشرو و سوسیالیستی و متحد طبقاتی خود را ایفا نماید، چرا که بدون این تلاشها و بدون سازماندهی صف های پیشرو مطالباتی و مستقل با پرچم واحد انقلابی، و بدون اتکا به ابزارهای رادیکال انقلابی مبارزاتی و اعتراضی، اعتراضات نیز هر چند گسترش پیدا کند، بخودی خود به معنی پیشروی و پیروزی برای جنبشمان و جامعه نخواهد بود.

یک رکن بسیار مهم پیروزی جامعه ای که خواهان آزادی و برابری و رفاه و امنیت است توجه جدی به سیاستهای رادیکال، شفاف، بدون تعارف و بدون توسل به رویکرد فاسد دیپلماسی بازی با "توده ها" و دنیای سیاست، احزاب سیاسی و نوین مانند حزب سوسیالیست انقلابی ایران است. این حزب را به عنوان حزب راستین طبقه کارگر، حزب واقعی آزادی زن، حزب جوانان انقلابی، و حزب سازمانده و رهبر جنبش ما برای سرنگونی قهر امیز جمهوری اسلامی و کلیت نظام فاسد سرمایه داری، استقرار آزادی، برابری و یک نظام سوسیالیستی در آینده بعداز نابود کردن این رژیم چهل و جنابیت باید شناخت و به آن پیوست. (این متن پیاده شده گفتگوی برنامه تصویری "صدای سوسیالیسم امروز" با ر. سلام زبجی است که در تاریخ ۲۲-۱-۲۰۱۸ صورت گرفته بود. در جریان ادیت درمواردی تغییراتی جزئی صورت گرفته است)

سر سطر

بنویس.....؟؟؟

سر سطر بنویس.....؟؟؟

بابا نای، نان دادن ندارد، بابا کار ندارد!... بابا سهمی برای استخدام ندارد!...

بنویس؟؟؟

آن بچه سرطان دارد!....

هزینه هر آمپولش بیشتر از 1

میلیون تومان است،

خانه ی آنها پایین شهر است ، اشک چشمهای مادرش مروارید دارد ،

بنویس.....؟؟

تلاش ما بی ثمر است!

صاحب خانه بابا را جواب کرد!...

حاج رحیم برای چندمین بار به

حج میرود ، اما...؟

بابای من پول قبض آب و برق را ندارد!.

بنویس.....؟؟؟

نماز قضا دارد..... اما سفره ما غذا ندارد!...

بنویس.....؟؟

اهل محل برای ساختن مسجد پول

جمع میکنند اما... ،

سقف خانه ما چکه میکند!....

بنویس.....؟؟؟

پسر همسایه ما از گرسنگی

"مرد" ...! اما در مجلس ختمش

گوسفند سر بردند!...

بنویس.....؟؟؟

در سرزمین من همه...؟؟

یا سنگ میفروشند!...

یا سنگ میزنند!....

یا سنگ می اندازند!...

بنویس.....؟؟

مادران داغ دارن!

پدران بیمار!

بنویس!.....

پدر "60" ساله ام نگهبان ویلای

آقازاده "20" ساله شده است ،

جوان هایمان از سر نیاز ادعای

عاشقی می کنند!

دختر هایمان از نداری خود را

الوده هوس نامردان می کنند

بنویس.زندگیمان چه سخت چه

آسان ولی به اجبار می گذرد!

بنویس با چشمان خیس....

(از میان پیامکهای تلگرامی)

جرم جهنمیان ،

جرم جهنمیان

هم خوابی بانامحرم و

مشروب بود

و پاداش بهشتیان

هم خوابی با نامحرم و

مشروب .

آیندگان ما ،

به سادگی ما میخندند...

تو می فهمی؟

من نمی فهمم !

فرق حوری با فاحشه

چیست ؟

یکی در استخدام خداست

و دیگری در استخدام بنده

ی خدا ...

خدایی که به پیروانش

حوری رشوه میدهد

و بهشتی که فاحشه خانه

است !

کدام یک بیگناهند؟

فاحشه ای که از سر

ناچاری اینگونه شکمش

را سیر میکند ؛؛ یا حوری

که لذت تنش پاداش

کارهای خوب بندگان

است؟ تو میدانی ؟

من نمیدانم

از: صادق هدایت

ارسال کنند: خاتون بهاری

حزب سوسیالیست انقلابی

برای آزادی و برابری کامل

زن و مرد رهانی از همه

خرافات، شونئات، قوانین

مذهبی و سنن و فرهنگ

مردسالارانه که علیه زنان

عمل میکنند مبارزه میکند.

سرنگونی جمهوری اسلامی

ضد زن قدم نخست رسیدن به

این هدف است. حزب، همه

زنان آزادیخواه را به پیوستن

به صفوف خود فرامیخواند

گزارش مختصر از واقعات ناگوار در افغانستان

ماریا یوسفزی



درمان مردم درد دیده ماصلح و آرامش و فضای دور از انتحار و انفجار و وحشت و آواره گی است. مردم از جنگ و سوگواری خسته شده اند. هر روز یک وحشت بدتر از روز قبل رخ میدهد. اینک مختصری از واقعات که در این چند روز بوقوع پیوسته برای شما عزیزان به خوش میگیرم .

سه انفجار در غرب کابل دست کم ۴۱ نفر کشته و ۸۴ نفر زخمی شده‌اند. این رویداد قبل از ظهر امروز پنجشنبه هفتم جدی/دی در داخل یک مرکز فرهنگی و یک خبرگزاری در خیابان "مزاری" در این شهر رخ داد.

۴ زن و دو کودک در بین کشته‌شده‌ها و ۸ زن در میان زخمیان هستند.

همه قربانیان این رویداد غیرنظامی هستند .

گروه موسوم به دولت اسلامی (داعش) مسئولیت این رویداد را به عهده گرفته است.

مرکز فرهنگی و اجتماعی تنیان و خبرگزاری صدای افغان - آوا در یک ساختمان قرار داشتند.

تاریخ ۲۰ جنوری حمله دیگر به امن ترین هتل کابل کانتینتال. ۴ مهاجم به همکاری کارمندان داخل هتل شدند بعد از درگیری ۸ ساعته کشته شدند.

اینترکانتینتال یکی از هتل های مشهور کابل و محل اقامت بسیاری از شهروندان کشورهای غربی است. این هتل به شدت تحت محافظت قرار دارد و ایست‌های بازرسی متعددی برای ورود به آن وجود دارد. در این حمله تعداد کشته و تعداد زیاد زخمی شدند.

حمله دیگریه دفتر حمایت اطفال در شرق افغانستان بوقوع پیوست که ۳ نفر کشته و تعداد زخمی شدند .

در این حمله شماری از مهاجمان مسلح به این دفتر ۴ نفر کشته و ۲۴ نفر زخمی شدند.

سازمان خیریه حمایت از کودکان با تأیید کشته شدن ۳ نفر از کارمندان اعلام کرده که این سازمان به دلیل نگرانی از امنیت کارمندان فعالیت خود را در سراسر افغانستان به حالت تعلیق در آورده است.

افغانستان یکی از خطرناکترین مکان‌ها در جهان برای کودکان و فعالیت‌های نهادهای امداد است.

روز گذشته در شمال افغانستان ۳ دختر جوان به علل نامعلوم تیرباران شدند. دختر جوان در جاعور بعد از پانزده روز گم شدن جسدش پیدا شد.

خبر وحشتناکتر دیگر تجاوز گروهی بالای یک نرس در شفاخانه چارصد بستر کابل .

این هم از قشر روشن فکر و تحصیل کرده نسل جوان ما که در ۴ و ۵ دهه جنگ و شرمساری به ملت بیچاره ما است.

در این بی امنیتی و دست درازی ممالک همسایه افغانستان لانه و به میدان جنگ گروه های تروریستی مبدل شده در صورت که ۴۵ کشور جهان برای نجات افغانستان از جنگال تروریزم آمده اما برعکس پیشروی این گروه افزایش یافته.

بر علاوه این نامنی ها جنگ قدرت بین باند ها مافیای و تنظیمی سمت شمال و جنوب و شرق و غرب افغانستان روز افزون است و به امر بدارانشان میتازند مردم ناگاهانه دنباله رو این مهره های پلید زمان هستند اما تا وقتی مردم به یک صدانشوند جنبش مردمی و از ادیخواهی را راه انداز نکنند نه امریکا و نه غرب و نه دولت های بنیاد گرایی اسلامی و نه ناتو کشور مارا از چنگ این جنگ خانمانسوز هیچ نیروی دیگر نجات داده نمیتواند چون خودشان دسرست کننده تروریسم هستند.

بامیدواری نیروی جوان و از ادیخوانه کشور خود باور دارم تا آخر

زنده باد ازادی و پاینده باد مردم افغانستان. جاوید باد مردم از ادیخواه در سراسر جهان/ نابود با تروریستها



نه قومی، نه مذهبی، زنده باد هویت انسانی!



ابراهیم باتمانی

ستون پرسش و پاسخ

پاسخ رهبری حزب به پرسشی در باره اعتراضات اخیر و بیانیه مشترک چند جریان چپ

پرسش: حزب سوسیالیست انقلابی ایران در برخورد به تحولات سیاسی ایران از جمله اعتراضات اخیر سیاست متفاوت تری نسبت به بیشتر نیروهای چپ اپوزسیون داشته و دارد. در ضمن اخیرا برخی از همین نیروها، در دو گروه متفاوت، بیاتیه های مشترکی پیرامون تحولات اخیر ایران صادر کرده اند. مهمترین تفاوت های سیاسی شما از جمله در برخورد به تحولات اخیر با صادرکنندگان اطلاعیه مشترک کدامند؟ و ارزیابی شما از محتوای سیاسی اطلاعیه های مشترک که داده شده است چیست؟

ابراهیم باتمانی: قبل از اینکه به سوال شما جواب دهم لازم میدانم به تمام خانواده های جانباختگان که عزیزانشان را در جریان این اعتراضات بر حق و همچنین در زندانها به دستور سران حکومت و به دست نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی جان باختند تسلیت گفته و آرزوی آزادی فوری بازداشت شده گان را دارم.

اعتراضات اخیر در ایران هر چند بدون زمینه نبوده و در تداوم نبرد بی وقفه ۳۹ ساله با حاکمیت اسلامی است اما از نظر گستردگی آن در عرض این ۳۹ سال حاکمیت جمهوری اسلامی کم سابقه بوده است. اعتراضات اخیر توده های زحمتکش در سراسر ایران تمام اپوزسیون ایرانی از چپ و

راست و حتی خود حکومت ایران و تمام دولتهای دنیا را نیز غافلگیر کرد. این اعتراضات، اعتراض گرسنگان و بیکاران، زنان و جوانان به ستوه آمده از دست این رژیم فاشیست دزد و دیکتاتور بود. این اعتراضات مهم و تاریخی کل حاکمیت از اصلاح طلب گرفته تا اصولگرا و اعتدال تا نیروهای رنکارنگ سرکوبگر و خواهران زینب و سربازان گمنام و مهدی و امام زمان و خامنه ای و همه راه دچار سر درد و سر گیجی کرد و اتوریتیه کاذب آنها را در هم شکست.

در اعتراضات اخیر رهبری حزب ما موضع روشن و طبقاتی و کمونیستی گرفت. ما تلاش کردیم حقیقت و خط و جهت دقیق و شعار روشن طبقاتی و راه درست و اصولی و منطقی را نشان دهیم. ما از طریق اطلاعیه و پیامها و نشستهای مکرر رهبری حزب تلاش کردیم که توجه مخاطبین جامعه خود را به این مهم جلب کنیم که با گامهای درست پیش برویم و موانعها را به خوبی کنار بزنیم و با دقت هرچه بیشتر عمل کنیم تا اشتباه ما در جریان انقلاب سال ۱۳۵۷ دوباره تکرار نشود. ما ضمن حمایت کامل از نفس اعتراض جامعه علیه فساد و گرانی و فقر و حاکمیت رژیم به شدت مخالف شعارها و سیاستهای بوده و هستیم که این مبارزات را میخواست و میخواهند به نفع نیروهای حساب پس داده شده ارتجاعی شوینیبست و اسلامی

در اپوزسیون تمام کنند و دوباره کلاه گشاد "همه با هم" و "هم میهن" و غیره سر جامعه بگذارند مانند سال ۵۷. بیان این واقعیت و مخالفت صریح ما با این تلاشها بخش مهمی از تفاوت ما با چپی بود و هست که اخیرا بیانیه مشترک دادند.

حزب ما هشدار داد مجاهدین خلق و سلطنت طلبان و بنی صدریها و ناسیونالیست های ایرانی و ناسیونالیست کورد و قوم پرستان و طرفداران فدرالیسم و غیره ربطی به مبارزه برحق شما جوانان و زنان و کارگران و ستم دیدگان و انسانهای شرافتمند و برابری طلب ندارند. نباید دنبال شعار و سیاست آنها افتاد. ما گفتیم در دنیا دو طبقه موجود در نبرد و در تقابل با همدیگر هستند. طبقه سرمایه دار و طبقه کارگر. این دو طبقه نماینده دو جنبش متضاد هم هستند و دو زندگی و دوسرنوشت متفاوت را رقم میزنند برای جامعه، دو منفعت متفاوت و دو دنیای متفاوت دارند. اینها با هم سر آشتی ندارند و نمیتوانند هیچگاه با هم در یک صف قرا بگیرند چه قبل از سرنگونی رژیم و چه بعد از آن. ما گفتیم با درایت و با چشم باز و هوشیاری کامل وبا دید و منفعت طبقاتی خودتان رهبری اعتراضات را به دست بگیرید. حزب ما بر این نکته تاکید داشت که اگر جمهوری اسلامی در چنین مقطع زمانی سرنگون شود، کدام حکومت وبا کدام بدیل سیاسی باید بر مسند قدرت بنشیند که به جای

"زندان و شکنجه و اعدام و تروریسم و تبعید، رفاه، آزادی، برابری و امنیت و خوشبختی را برای شهروندان خود به ارمغان بیاورد؟"

چه حکومتی باید بیاید که دیگر زندانی کردن انسانها را در دستور کار خود نداشته باشد. اعدام و تبعید نکند. حق و حقوق توده های زحمتکش را پایمال نکند. یک هویت قومی و اسلامی و ناسیونالیستی دیگر برایمان تراشیده نشود. فردا به خاطر مخالفت با شاه و رجوی و قران و وطن و تمامیت ارضی پوچ و عزیزشان صداها را در گلو خفه نکنند و لشکر کشی نکنند. به زندان و شکنجه پناه نبرند و جوغه اعدام را به بهانه دیگری بر جامعه حاکم نکنند. فردا به خاطر تشکل درست کردن و سازماندهی نظام شورای و فعالیت سوسیالیستی و ایجاد شوراها و مجمع عمومی کارگران در محیط کار با باتوم وارد نشوند و آنرا غیر قانونی اعلام نکنند. فراد مخالفت با برابری زن و مرد و هزاران اما و اگر دیگر را که زندگی را بر شهروندان جامعه تلخ کند را در دستور کار خود قرار ندهند.

پرسش و پاسخ...

حزب ما تنها حزبی بود در این پروسه با بر افراشته کردن شعار آزادی و برابری و سوسیالیسم و مرگ بر جمهوری اسلامی تلاش نمود. خیلی های دیگر هر چند نام کمونیست را بر خود گذاشته اند اما از این شعارها طفره رفتند و اساس سیاستشان دنباله روی از هر نوع شعاری بود که چند نفر در خیابانی سر می دادند و به این شکل میخواستند بگویند "توده ای" هستند! اما ما چنین مطالبه و شعارهای را بخشی از واقعیت مبارزه و خواست فوری کارگری و آزادیخواه و بخشی از تلاش بدون توقف برای ساختن آینده دانسته و می دانیم. ما گفتیم زندانی سیاسی باید آزاد گردد. ما آزادی بی قید و شرط سیاسی را برای همه فریاد زدیم و خواهان آن بودیم که در میان معترضان سر داده شود. ما در تلاشهای خود از مردم خواستیم که شعار برابری زن و مرد را در دستور کار خود قرار دهند. ما گفتیم حقوق کودک و کودکان باید اولیت دولت آینده و جامعه باید باشد. و اکنون هم همه را فرامیخوانم با این سیاستها و اهداف به میدان مبارزه با جمهوری اسلامی بروند و تنها از این راه امکان پیروزی به نفع مبارزین راه آزادی و طبقه کارگر ایران را ممکن میکنیم. تفاوت ما با بقیه اساسا حول این محورها است. ما همه حرف و حقایق را گفته و میگوئیم و بر صف مستقل طبقاتی و جنبشی خود تاکید میکنیم، اما آنها مانند سال ۵۷ همان سیاست "همه با هم" که شکست کارگر و چپ و آزادیخواهان را به دنبال داشت دوباره تکرار میکنند.

اما قبل از اظهار نظر در باره بیانیه آن جریانات، لازم میدانم توجه شما را بدوا به احساس مسئولیت رهبری حزب سوسیالیست انقلابی ایران جلب کنم که در روز اول ژانویه سال ۲۰۱۸ (۱۱ دی ماه ۱۳۹۶) بعد از سه-چهار روز که از شروع اعتراضات گذشته بود، تصمیم گرفتیم نامه ای را برای تمام احزاب و جریانات چپ سرنگونی طلب قابل دسترس بفرستیم، و دبیر خانه حزب چنین نامه ای را فرستاد. از آنها دعوت به عمل آورده شد ضمن حفظ واقعی تفاوتهای طرفین تلاش کنیم در یک نشست مشترک به هدف ایجاد هماهنگی و تقویت جریان رادیکال و انقلابی و سوسیالیستی در اعتراضات جاری ایران تصمیماتی بگیریم، نه فقط اطلاعیه ای مشترکی داده شود و رفع تکلیف کنیم بلکه برای ما موضوع و احساس مسئولیتیمان جدی تر از این بود. هدف محوری ما دقیقا تلاشی بود که در صورت رفتار مسئولانه متقابل آن جریانات ممکن بود به در پیش گرفتن سیاست بهتر و بعضا اقدام هماهنگ تر به نفع جنبش آزادیخواهی و برابری طلبی تمام گردد، اما همچنانکه خود ما انتظارش را داشتیم با رفتار و عکس العمل به شدت فرقه گرایی، خودخواهانه و غیر مسئولانه بیشتر آن جریانات به ویژه جمعی که تحت عنوان "کمونیست کارگری"، "حکمتیست" و "حزب کمونیست ایران" (کومه له) بیانیه مشترک داده اند مواجه شدیم. بیشتر جریانات به نوعی جوابی به نامه دبیرخانه حزب ما دادند و مکاتباتی صورت گرفت اما متأسفانه بیشترین جریانهای که در این مورد رفتار سکتی و خودبزرگ بینی بخرج داد همین جمع موسوم "به کمونیزم کارگری و حزب کمونیست ایران" بود.

جالب است در این میان رفقای حزب کمونیست کارگری ایران "حکمتیست" که تا دیروز زیر سایه مبارزه سخت و پیگیرانه امثال ما بخود مدال میدادند و اکنون که با آنها نیستیم و فاصله سیاسی جدی با هم داریم از همه بیشتر با ما خصومت ورزی میکنند و سکتی تر رفتار نمودند. طوری که حتی هیچ پاسخی به نامه ما هم ندادند. واقعا جای تأسف است برای این رفقا که تا این حد افت سیاسی و اجتماعی کرده اند. شاید نگرانی این دوستان به خاطر این باشد که ما فعالان تشکیل دهنده حزب سوسیالیست انقلابی، میبایست در ادامه پروژه خود برای تشکیل حزب سیاسی مستقل خود از آنها مجوز می گرفتیم؟ یا شاید از نظر رهبری جدید "حزب حکمتیست" ما که خود در رهبری و از سازماندندگان و پراکتیسین های اصلی آن حزب در دوره گذشته بودیم حالا توان و صلاحیت رهبری در حزب دیگری نداریم که چنین رفتار میکنند. ما بارها گفته ایم رفتار این چنینی با مخالف سیاسی خود در حالتی که در اپوزسیون هستیم دقیقا به معنای سرکوب عریان مخالف سیاسی در دوره دولت داری و حاکمیت است. این دوستان شاید با این تخیل قضاوت نموده اند که با بایکوت کردن ما میتوانند میخوانند نقش کمونیستی غیر قابل چشم پوشی ما و روند رو به رشد حزب سوسیالیست انقلابی را نادیده بگیرند.

واقعا باید برای این عزیزان و این رفقا که مدت ۳۸ سال در یک سنگر بودیم، متأسف بود. احترام گرفتن از طرف کمونیستها نسبت به انسانها و مخالفین سیاسی جزو هویت کمونیستها میباشد. پس هر فردی و هر حزبی که خود را

کمونیست میدانند باید شدیداً به این نکته توجه داشته باشد و به آن متعهد باشد. باید تا آن اندازه که به کمونیست بودن خود احترام قائل هستیم برای دیگران هم که در سنگر مارکسیزم انقلابی هستند و برای سوسیالیسم و نابودی جامعه سرمایه داری مبارزه میکنند احترام قائل باشند نه به هر شکلی در صدد تضعیف و ترور و کنار زدنشان باشند. این فرهنگ هر چه باشد ربطی به کارگر و کمونیزم ندارد و یکی از علل پراکندگی صف انقلابیون کمونیزم وجود همین سنت غالب سیاسی و سکتی بر چنین احزاب و "رهبران قدیمی" است.

اما در باره بیانیه مشترک آن جریانات که با هم جمع و "متحد" شده اند و بیانیه داده اند، ما با نفس دادن اطلاعیه مشترکشان مشکلی نداریم و کار خوبی هم کرده اند، و بالاخره اوضاع احوال فعلی ایجاب میکند رهبران احزاب که از نظر سیاسی به همدیگر نزدیک هستند دور هم جمع کند تا سیاست خود را رو به جامعه اعلام کنند. اما ما با مضمون و سیاست ناظر بر آن بیانیه کاملاً مخالف هستیم. اطلاعیه آنها مشکل جدی سیاسی و طبقاتی دارد. من را به یاد موضعگیریهای چریکهای فدایی خلق ایران و جریانات چپ پوپولیستی دوره انقلاب ۱۳۵۷ ایران میندازد که عملاً دنباله رو الیترناتیو غرب و جریان خودبخودی افتاده بودند. به یاد دورانی که همه از "اتحاد" بر علیه شاه میگفتند و کسی کاری به خمینی و اسلام و ارتجاع عملاً کاری نداشت، و چپ و کمونیزم ملی و پوپولیست آندوره

سفر نیچروان بارزانی به ایران و موضوع احزاب اپوزسیون کورد ایران

زاگرس ابراهیمی



رهبري این احزاب همیشه منتظ ر یا دلخوش رویداد یا کمک کشو رهاي خارجي براي پیشرفت اه دافي هستند که سالهاست براي آ ن قرباني مي دهند. این عدم دو راندیشي گاهي آنها را به چاله و گاه به چاه مي اندازد. گاه دلخو ش به جنبش سبز ، گاه به تحریم هاي دولت اوپاما ، گاه به تنش هاي عربستان سعودي با ا یران و گاه به تهدید هاي دولت ت رامپ و گاه به چراغ سبز این و آن دولت.

همه آنها نیز در نهایت همانطور که مشاهده کردیم و میکنیم تمام این تنش هاي به وجود آمده در منطقه براي تامین منافع خود در منطقه است، که گاه با مذاکره ا ي در پشت درهاي بسته تمام ای ن تنش ها طوري به پایان میرسد ند که گویا اصلا مشکلي میان ای ن دولت ها و احزاب وجود نداشته است.

و اینجاست که دوباره مسئله عد م مدیریت صحیح و دوراندیشي سياسي این احزاب بیشتر نمایان میشود. عدم دوراندیشي، نبود سياست و هدف استراتژیکی رزمنده و متکی به منافع مردم زحمتکش که از بنیاد و در فاصله طولاني مدتي که این احزاب در جهت آن فعالیت میکنند باعث به وقوع آمدن وضع کنوز ي این احزاب شده است که حتي براي امرار معاش خود نیز دچ ار مشکل اند!

در آخرین نمونه اي که کاملاً ضعف سياسي این احزاب را مشاهده کردیم

به این مناسبت یکبار دیگر این واقعیت جلو جامعه قرار میگیرد که وقتی احزاب و رهبران ش دور اندیش نباشند و سیاستهایشان بر اساس منافع نیروها و دولتها دیگر و استفاده از اسطکاک دولتها سرمایه گذاری شده باشد دیر یا زود عواقب و ناکامی چنین سیاستها و ناتوانیهای را به چشم مردم در جامعه میروید. واقعیتی که اکنون اتفاق افتاده است نشانه دور اندیش نبودن و محدود نگیری نیروهای اپوزسیون متکی به چنین استراتژی است.

منظور از دوراندیشي این است که متاسفانه اکثر احزاب اپوزسیون ایران از راست تا چپ

ب خاطر عدم مدیریت و دوراندیش ي رهبران سياسي آن احزاب خ ود نیز محتاج به انقلاب فکري و مدیریتی هستند که طوری عمل نمایند سياست و عملکرد آنها به زیان مبارزه آزادیخواهانه در جامعه علیه حاکمیت سیاه اسلامی نباشد و دولتها نیز نتوانند آنها را به معامله و بازیچه خود بگیرند. ولی همه میدانیم تغییر این سیاستها کار آسانی نیست زیرا بخشی از سنت سياسي و افق آنها است. چنانچه اراده و سياست متفاوت تری در صفوف آنها نیز پیدا شود بدون تغییر و کنار زدن رهبران سنتی و مادامعمر کنونی آنها و تغییر سياست و استراتژی حاکم کنونی هیچ امیدی به تغییر وجود نخواهد داشت.

طی روزهاي گذشته شاهد سف ر نیچروان بارزانی رئیس " حکومت اقلیم" کردستان عرا ق به ایران و نشست او و هیئ تش بامقامات بلندپایه سياسي وامنیتی ایران بودیم. از جمله دیداربا " رئیس جمهور" ایران ،آخوندروحانی و پاسدار علي شمخانی رئیس "شوراي عال ي امنیت ملي" ایران.

از میان موضوعات مورد بحث و مهمي که بین آنها بحث و گ فتگو شده بود موضوع احزا ب اپوزسیون و فعالیت آنها د ر اقلیم کردستان عراق بود ک ه طرفین کاملاً آشکارا مواض ع خود را بر علیه فعالیت احز اب اپوزسیون در خاک اقلیم ع نوان کردند.

اگرچه ضدیت هاي دو حزب حاکم اقلیم کردستان عراق در راستای تامین منفعت ایران با احزاب اپوزسیون ای ران بارها تکرار شده است، ا ما بنظر میرسد در نتیجه این سفر سه گزینه روي ميز احزاب اپوزیسیون واقع در اقلیم قرار میگیرد او ل فشار حکومت اقلیم بر احزا ب اپوزیسیون و قطع کامل تما م فعالیت هاي مسلحانه در خا ک ایران، دوم ادامه این فعالی ت ها و تنش احزاب اپوزسیو ن با اقلیم کردستان، و سومین گزینه هم اینکه آنها نیز مانند برخي از جریانات دیگر راه کوه را دربرگیرند و نیروها ي خود را کاملاً آنجا مستقر س ازند، که این گزینه اخر نیز ف علا به علت شرایط کنوني احزاب غیر ممکن میباشد.

تظاهرات اخیر شهرهاي ایران بود که حتي بعد از گذشت بیشتر از چهار دهه از عمر تنگین این نظام اسلامی دیکتاتور حاکم بر ایران آنچهان که باید این احزاب اپوزسیون توان رهبري و مدیریت این تظاهرات را نداشتند که حتي بتوانند تغییر یا کارت فشاري بر علیه این رژیم در کردستان به وجود آوردند.

همه اینها گویای این واقعیت است که احزاب اپوزسیون و رهبران سنتی با واقعیت جامعه و مبارزه آزادیخواهانه آنها فاصله زیادی دارند، تنها نیروهای موفق خواهند شد که به خود و به اهداف روشن سياسي و جامعه ی خواهان سرنگونی و دست یافتن به آزادی و برابری، نه در شعار، که در میدان عمل و روزمره ربط داشته باشد.

سابقه قدیمی و تاریخی داشتن و ژست گرفتن با تعدادی نیروی مسلح و شغل همیشگی دیپلوماسی بازی، که معمولاً بازنده آن نیز خود احزاب سنتی و ناسیونالیستی هستند، راه بجای نمیبرد همانطوری که تا بحال راه بجای برده است.

تماس با

حزب سوسیالیست انقلابی
Iransocialist2017@g
mail.com



سراسر دنیا تنها یک حرکت احساسی و اخلاقی نیست بلکه همگی این حرکات و مقاومت و پشتیبانیها بازتاب مادی و عینی پیدا میکنند و می تواند در همه انقلابات و مقاومت توده های زحمتکش تاثیر داشته باشد. در یک کلام جنگ ۲۴ روزه سندج و مقاومت مردم این شهر و همچنین شهر کوبانی به حمایت و پشتیبانی افکار عمومی مردم دنیا در مقطع خود نیاز داشت. چون سرنوشت این مقاومت قهرمانانه تنها در میدان جنگی نابرابر چه در جنگ خونین مردم شهر سندج با هارترین نیرویی چون سپاه پاسداران و چه با داعش در عصر مدرنیسم و با دولتهای حامی اش در جنگ خیابانی و در کوچه و پس کوچه های کوبانی تعیین نمی شد. اعتراضات و تظاهراتهای وسیع و مداوم در سطح جهانی فشار افکار عمومی را بر علیه جریان های مرتجع اسلامی و قدرتها و دولتهای فاشیست منطقه از جمله ترکیه و رژیم تروریست بشار اسد و دولت حامیش جمهوری اعدام اسلامی که از گروه های تندرو اسلامی حمایت می کردند را افزایش داد و اجازه نداد که آنان به اجرای توطئه ها و نقشه هایشان بپردازند.

عفرین میدان کشمکش قدرتهای امپریالیستی و منطقه ای

عزیز آجیکند

دست به مقاومتی حماسی زده اند، در این شرایط حمایت از مقاومت و مبارزه مردم شهر عفرین و روستاهای توابع این شهر یک وظیفه ای انقلابی و انسانی و یک ضرورت سیاسی است. مقاومت مردم "عفرین" در مقابل دولتهای حامی گروه های تروریستی همچون داعش، از همان مشروعیستی برخوردار است که حماسه مقاومت کوبانی در مقابل داعش از آن برخوردار بود. لذا دست بردن به ابتکار عمل مبارزاتی برای حمایت از مردم زحمتکش و مبارز "عفرین" و شرکت در حرکت های اعتراضی در خدمت جبهه آزادیخواهی مردم کردستان و مردم خاورمیانه علیه یکی دیگر از جبهه های ارتجاع سرمایه داری در منطقه است. حمایت و پشتیبانی افکار عمومی و بشریت متری از مقاومت توده ای مردم "عفرین" میتواند نشانه تنفر و انزجار عمیق آنان نسبت به دخالت های قدرتهای سرمایه داری و دولتهای مرتجع و جنایتکار در منطقه باشد. امروز حرکات و حملات نظامی این دولتهای فاشیست و دخالت آنها در کشورهای دیگر موجب کشتار و ویرانی و آوارگی میلیونی و فقر و فلاکت اقتصادی در این منطقه شده است. حمایت از "عفرین" و مردم زحمتکش این دیار " نشانگر خشم و بیزاری از اعمال گروهها و احزاب مرتجع و ضد بشری اسلامی از نوع فاشیسم ترکیه است. تجربه نشان داده است که پشتیبانی از مقاومت توده های زحمتکش در

آمده است: «ما از حکومت سوریه می خواهیم که به وظیفه خود برای حفاظت از مرزهای کشور عمل کند و نیروهای ارتش را برای مقابله با اشغالگران ارتش ترکیه به منطقه بفرستد.»

عفرین یکی از سه منطقه شمال سوریه است که توسط نیروها و شهروندان کرد زبان به صورت نیمه خودمختار اداره می شود. این منطقه، بر اساس تخمین سازمان ملل متحد، حدود ۳۲۴ هزار نفر سکنه دارد. عفرین، منبع و جزیره سه منطقه تحت کنترل کردها در شمال سوریه هستند که دولت محلی نیمه خودمختار دارند. کردهای سوریه از زمان آغاز جنگ داخلی این کشور با پرهیز از درگیری مستقیم با نیروهای اسد، منطقه تحت نفوذ خود را در شمال سوریه گسترش داده اند. بشار اسد که در چند جبهه درگیر نبرد با گروه های مختلف است تا کنون گسترش نفوذ کردها در شمال سوریه را تحمل کرده است.

امروز دولت فاشیست ترکیه، با حمایت و متحدین منطقه ای اش و در میان سکوت همگان از آمریکا گرفته تا غرب و تا روسیه یک جنگ تمام عیار را به مردم شهر "عفرین" در سوریه تحمیل کرده است. و این در حالیست که مردم مبارز "عفرین" در این شرایط سخت و زیر آتشباران سلاح های سنگین ارتش فاشیست ترکیه برای دفاع از دستاوردهای مبارزاتی خود

ارتش ترکیه از شنبه گذشته (۳۰ دی برابر با ۲۰ ژانویه) عملیات تهاجمی گسترده ای را علیه کرد زبانان شمال سوریه آغاز کرده است. هدف از این عملیات جنایتکارانه، که "شاخه زیتون" نام دارد، بیرون راندن نیروهای مسلح "یگان های خلق" (ی پ گ) از عفرین عنوان شده است. ترکیه به بهانه تامین یک "منطقه امن" به وسعت ۳۰ کیلومتر در مرز خود با سوریه مناطق کرد زبان با رضایت روسیه و توافق جانی امریکا دست به چنین حمله وحشیانه ای زده است. امروز جمعه عملیات "شاخه زیتون" در حالی وارد هفتمین روز خود شد که دولت فاشیست ترکیه همراه هم پیمانان جنایتکار خود پیشرویهایی را از قسمت غرب عفرین ادامه داده و نیروهای مقاومت در عفرین نیز از کشته شدن ۳۰۸ نظامی ترکیه ای خبر میدهند. همزمان اردوغان تروریست پرور نیز رجزخوانی کرده و میگوید بعد از پاکسازی عفرین از "وجود عناصر تروریستی"، نوبت منبع و بعد از آنهم مرزهای ترکیه با عراق است. در مقابل نیز گویا پ ی د یا "یگان های مدافع خلق" نیز از بشار اسد، رئیس جمهور سوریه، خواسته است که برای حفاظت از مرزهای این کشور نیروهای ارتش را به عفرین اعزام کند. در بیانیه ای که در وبسایت خود منتشر کرده اند،

عفرین میدان کشمکش ...

"ما تسلیم نمی شویم"

سرودی از: گروه موسیقی فرانسوی
با زیر نویس فارسی؛
از اعماق محله فقیرنشین من
تا روستای دور افتاده تو
واقعیت هایمان، یکسان است،
و همه جا تحول در حال غلیان است
دنیا برایمان جایی ندارد
ما به درد هیچ کاری نمی خوریم
در قصرها به دنیا نیامدیم
آنان برای ما از برابری می گفتند
و ما همچون احمقها باورشان کردیم
"دموکراسی" دروغ است

اگر آنچه می گویند می بود، ما هم می دانستیم
برگه رای ما در برابر قانون بازار چه ارزشی دارد؟

و حقوق بشر !!!

در بدل فروش یک طیاره چه ارزشی دارد؟
اگر مختصر کنیم، در نهایت امر فقط یک قانون وجود
دارد:

خودفروشی بیشتر، برای فروش بیشتر
جمهوری "روسی دار"
در جاده دیکتاتورها، عمل میکند ...
چقدر پوچ و احمقانه است
که از صلح و برادری حرف بزنی
وقتی بی خانمان ها، روی جاده ها جان می دهند

"عفرین" اکنون در معرض توطئه ها و خطراتی از جانب آمریکا و دولتهای منطقه است. و متأسفانه سیاست غلط همراه شدن با پروژه آمریکا از طرف پی دی د و نیروهای درگیر در کردستان سوریه نیز باعث آسیب رساندن به وجهه مبارزاتی مقاومت و مبارزه علیه داعش و ترکیه شده و باید خود را از میان معامله جنایتکارانه آمریکا و روسیه و همپیمانانشان بیرون کشید تا قربانی یکی از طرفین نگردد. تلاش آنان محو و زدودن ایده امکان اعمال حاکمیت توده ای مردم بر سرنوشت خود است. به شکست کشاندن آزمون کانتونها و به شکست کشاندن مقاومت مسلحانه توده ای و به انحراف کشاندن مبارزه مستقل و اصیل شهروندان در دفاع از منافع و مصالح خودشان است. دولت های ترکیه و آمریکا و روسیه و سوریه و رژیم جمهوری اسلامی برای تبدیل کردن دستاوردهای مبارزاتی در کردستان سوریه در خدمت استراتژی و رقابت های خود تلاش می کنند. نیروهای شورای ملی سوریه و جریان های تروریست سنی به اصطلاح میانه رو، آلترناتیو موردنظر آمریکا و دیگر قدرت های غربی و متحدین مرتجع منطقه ای آنها برای آینده سوریه هستند. تلاشی که تا کنون از طرف روسیه با ناکامی روبرو شده است.



در شرایط کنونی اگر چه برقراری مناسبات دیپلماتیک با دولت ها و یا برخی همسویی ها در عرضه نظامی در نبرد با دولت ها و نیروهای اسلامی و مرتجع در سوریه، برای رهبری مشترک کانتون ها و رهبری سیاسی دخیل در کردستان سوریه امری ناگزیر است اما حفظ منافع کارگران و زحمتکشان روزآوا و سیستم خود مدیریتی حاکمیت آنها باید محور هر سیاست و تاکتیکی باشد. این امر فقط با تغییر استراتژی کانتون ها از استراتژی سازش طبقاتی و درخواست کمک از مرتجعترین نیروها از جمله ارتش فاسد بشار اسد و یا همسو شدن با بخشی از استراتژی ارتش آمریکا به یک استراتژی ضد سرمایه داری و ضد امریکائی و ضد بشار است ممکن است.



iransocialist2017@gmail.com

www.simroz.org



۰۰۳۳۷۵۸۰۷۸۴۱۰ / ۰۰۴۷۹۲۸۳۱۳۷۶ / ۰۰۴۶۷۶۲۳۴۹۶۸۳

حزب سوسیالیست انقلابی ایران، حزب طبقه کارگر، حزب جنبش رهایی زن، و حزب جوانان پرشور و انقلابی و همه انسانهای مبارز و سوسیالیست است. نیاز واقعی جامعه ایران و ضرورت سازماندهی مبارزه سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و ملیتانت علیه وضع موجود و برای سرنگونی نظام سرمایه داری جمهوری اسلامی و همه ارکان مذهبیب ضرورت اولیه سازماندهی جنبش حزبی را برای جنبش ما ایجاد کرده است.

حزب سوسیالیست انقلابی ایران همه کارگران و زحمتکشان، همه مبارزان راه آزادی و برابری را به پیوستن به صفوف خود فرامیخواند!

حزب سوسیالیست انقلابی را به دوستان خود معرفی کنید. در اشکال مختلف تاسیس حزب انقلابی خود و آرم و آدرسهای تماس با آن را در مراکز کارگری و میدانی شهرها و محلات بخش کنید. در هر جا که هستید چه به شیوه فردی چه با تشکیل محافل و گروه های مورد اعتماد خود به عضویت حزب سوسیالیست انقلابی در بیایید.

از هر راهی که از نظر امنیتی مناسبتر میدانید با حزب تماس حاصل نمایید.

زنده باد حزب سوسیالیست انقلابی!، زنده باد سوسیالیسم!، مرگ بر جمهوری اسلامی!

تداوم فشار و سرکوب فعالان کارگری، لکه ننگی بر پیشانی جمهوری اسلامی

عزیز آخیکند

طی هفته های اخیر و به دنبال گسترش اعتراضات توده ای در بیش از ۱۰۰ شهر بزرگ و کوچک در سراسر ایران، موج جدیدی از سرکوب شامل بازداشت، احضار، تهدید و اخراج فعالین کارگری و کارگران معترض به راه افتاده است.

طبق ادعای دروغین قانون ضد کارگری جمهوری اسلامی در اصل ۲۶، کارگران مشمول قانون کار و کارفرمایان یک حرفه و صنعت می‌توانند انجمن‌های صنفی تشکیل دهند. با این حال جمهوری اسلامی هر بخشی از کارگران، چنانچه مستقل وارد عمل تشکیلاتی خود شوند فوراً سرکوب و بازداشت شده و آنها را به بهانه های مختلف دچار مشکل میکند. رفتار خشونت آمیز، سرکوب، تهدید مداوم، بازداشت و دستگیری، به گرو گرفتن دستمزد و نان سفره خالی کارگران سیاست و عملکرد نظام ضد کارگری جمهوری اسلامی بوده و هست.

مقامات امنیتی جمهوری اسلامی ایران سال‌هاست که با رهبران و سازمان‌دهندگان اتحادیه‌ها و تشکلهای کارگری مقابله و آن‌ها را سرکوب می‌کنند. این در حالیست که در حال حاضر، شماری از فعالان کارگری و صنفی مانند رضا شهبابی، اسماعیل عبیدی، مختار اسدی و محسن عمرانی به اتهام‌های پوچ امنیتی زندانی اند.

آقای رضوی و ابراهیم مددی، نایب رئیس سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه، دو روز پیش از روز جهانی کارگر، اول ماه مه، در سال ۱۳۹۴، در منزل خود بازداشت و پس از ۲۲ روز بازداشت موقت، با قرار کفالت ۱۰۰ میلیون تومانی آزاد شده بودند.

داود رضوی پس از آن در شعبه ۲۶ دادگاه بدوی انقلاب تهران به پنج سال و همچنین آقای مددی به پنج سال و چهار ماه حبس تعزیری محکوم شدند.

بازداشت این دو تن از فعال کارگری جلوگیری از برگزاری مراسم روز جهانی کارگر از سوی این تشکل صنفی در میان رانندگان شرکت واحد صورت گرفته بود.

اعمال فشار و گسترش جو سرکوب در محیط های کارگری طی هفته های اخیر تشدید شده است.

رژیم سرمایه داران اسلامی هراسان از جنبش اعتراضی کارگران و توده های زحمتکش ایران و تاثیر آن بر تحول های سیاسی - اجتماعی با سیاست هدفمند و برنامه ریزی شده ای می کوشد از سویی با جو تهدید و فشار مبارزه فعالین کارگری را خنثی سازد و از دیگر سو با مانورهای فریبکارانه در صدد به انحراف کشاندن و مهار جنبش اعتراضی توده های زحمتکش برای تامین خواست هایی چون افزایش دستمزد ها، تامین امنیت شغلی، جلوگیری از خصوصی سازی و احیای حقوق کارگری است.

سازماندهی جنبش پراکنده اعتراضی و استفاده ماهرانه از تمامی روزه ها برای خنثی سازی توطئه های رژیم و تقویت نقش جنبش کارگری از مهم ترین وظایف فعالان کارگری در لحظه کنونی به شمار می آید.

تشدید سرکوب فعالان کارگری در گوشه و کنار ایران نشان می دهد که رژیم به رغم این ناکامی ها هنوز حاضر به دست کشیدن از سیاست ضدکارگری خود نیست و قصد دارد با افزایش چنین فشارهایی به طبقه کارگر ایران و فعالان کارگری وضعیت پیش آمده را در هم بشکند.

در روزهای اخیر نیز هفت فعال کارگری در سنندج، سقز و تهران به دادگستری های این شهرها نیز احضار شده اند. پنج تن از اعضای کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری و اتحادیه آزاد کارگران ایران به بازپرسی شعبه چهارم دادگاه انقلاب سنندج احضار شده اند و باید در روز ۱۴ اسفندماه سال جاری در دادگاه حاضر شوند.

اتهام تعدادی از آنها از جمله "غالب حسینی، خالد حسینی، مظفر صالح نیا، شریف ساعد پناه و حبیب الله کریمی"، «شرکت در مراسم نوروز سال ۹۶» عنوان شده است. به گفته کانون مدافعان حقوق کارگر، حدود ۸۰ تن نیز در روزهای اخیر در ارتباط با برگزاری مراسم نوروز ۹۶ در سنندج، احضار و بازجویی شده اند.

در ادامه این روند نیز نجیبه صالح زاده، به دادرسی سقز احضار شده است. دادگستری شهر سقز روز اول بهمن در تماسی تلفنی، به خانم صالح زاده گفته است که تا روز ششم بهمن خود را باید به همان شعبه معرفی کند. دلیل احضار این فعال کارگری، «گزارش اداره اطلاعات شهرستان سقز» علیه او عنوان شده است.

در همین حال، سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه اطلاع داد که داود رضوی، عضو هیئت مدیره این تشکل صنفی، به رغم برگزاری دادگاه تجدیدنظرش در روز ۱۳ آبان، دوباره برای روز چهارشنبه چهارم بهمن، به شعبه ۳۶ تجدید نظر دادگاه انقلاب احضار شده بود.

از همین رونبایستی به محکومیت رژیم به خاطر این بازداشت ها و رفتار ضد انسانی با زندانیان و فعالین کارگری بسنده کرد. تشدید تلاش ها برای آزادی سایر کارگران و معلمان زندانی و تبعیدی لازم است و باید جزو اولویت های فعالان کارگری قرار گیرد. زیرا کامیابی در این زمینه راه پیشرفت جنبش کارگری را هموار می کند و ناکامی در آن رژیم را به اهدافش نزدیکتر می کند. خوشبختانه امروز احساس همبستگی و هم دردی با کارگران و سایر زندانیان سیاسی در میان گروه کثیری از مردم مبارز وجود دارد و در حال فزونی است. با سازماندهی این نارضایتی ها و نزدیکی ها نه تنها می شود همه زندانیان را آزاد کرد بلکه وضع را بکلی دگرگون و در جهت دیگری سوق داد.

ما در حزب سوسیالیست انقلابی ایران، سرکوب، بازداشت، احضار و اخراج کارگران به هر بهانه ای را بشدت محکوم کرده و حمایت قاطع و همه جانبه خود را از کارگران و فعالین کارگری و جنبش اعتراضی کنونی توده های تحت ستم در ایران را علیه سرکوب و فقر و استبداد و جمهوری اسلامی اعلام می‌داریم. ما خواستار آزادی بی قید و شرط تمامی کارگران بازداشت شده و کارگران و معلمان آزاده در بند هستیم. زنده باد اتحاد و همبستگی طبقاتی کارگران. زنده باد سوسیالیسم. مرگ بر حکومت اسلامی ضد کارگری و ضد انسانی.

**سرکوب، بازداشت،
احضار و اخراج
کارگران به هر بهانه
ای را باید بشدت
محکوم کرد و در
مقابله ایستاد**

پرسش و پاسخ...

باعث شد صف متفاوت کارگری و اقدام برای برقراری حکومت سوسیالیستی و کارگری در دستور هم قرار نگیرد تا اینکه غرب بر بستر این اوضاع در ایران توانست خمینی را رهبر "انقلاب" کنند و سپس به اسم همان انقلاب بیشتر ما انقلابیون را کشتار کردند.

برای نمونه میگفتند خمینی ضد امپریالیسم است. یا میگفتند فعلا باید متحد بمانیم و پرهیز کنیم از بعضی شعارها، فعلا هدف همگی سرنگونی شاه است. وقتی شاه رفت بعدا میشینم و اختلافات را حل میکنیم. سایه خدا که شاه دیکتاتور بود سرنگون شد. به جای رژیم پهلوی سایه خدا، اینبار خمینی روح خدا و دیکتاتور و فاشیست سر کار آمد. و این دقیقا خطری است که امروز در مقابل ما در روند سرنگونی جمهوری اسلامی قرار دارد و همین امروز هم دارند چنین آلترناتیوهای در غرب و در سایه امریکا و ترامپ میسازند که بیانیه آن دوستان با چنین حمایت‌های نیز مشکل جدی ندارد. بیانیه این چپ در مقابله این خطر کاملا ساکت است و راه برای توهم پراکنی سال ۵۷ باز گذاشته است.

این اطلاعیه مشترک رفقا شبیه به آن دوره و از آن گفتمان بسیار نزدیک است. فقط اسم برخی از سازمانها امروز متفاوت است، محتوا همان سیاستهای چپ آندوره است متاسفانه. صریح و روشن برخورد نمیکند به اپوزیسیون راست. از مجاهدین خلق و ولیعهد پهلوی هراس دارند اسمی به میان بیاورند. از شعارها و پلاتفرمهای ارتجاعی که در میان تظاهرات آنها نیز شنیده شد ایرادی نمی بینند از این جهت با آن مخالف نیستند و انرا "مردمی" میدانند. هدف محوری این اطلاعیه و جریانات امضاکننده صرفا یک سیاست ضد رژیم و سرنگونی طلبانه بدون افق و سیاست روشن و آلترناتیو کمونیستی است. بگذار همه با هم باشیم و غیره... این آدرس و سیاستها نه تنها ناروشتن بلکه کاملا غیر طبقاتی است و کاملا به ضرر طبقه کارگر و محرومان آن جامعه میباشد.

این نوع سیاست کردن چپ پوپولیست و دنباله رو که هزارها بار قول سرنگونی در پیچ بعدی را نیزداد و اما نشد، ۳۹ سال است آزمون ناموفق بودن خود را بدست داده است، این سنت برای "توده ای" شدن به طرف سازش با بخشهای از بورژوازی و راست روی گام بر میدارد. ادای سنت احزاب راست در میاورند و میخواهند "مردمی" باشند، در حالی که همه میدانند هر حزبی در میدان مبارزه و سیاست چنین ادعای بکند، چه راست و چه چپ، دروغ می گوید چرا که هر جنبش و طبقه ای دنبال هدف و منفعت خودش است.

دوره اعتراضات اخیر نیز نادرستی آن سیستم چپ بر ملا گردید، متاسفیم این دوستان بر ادامه آن پای میفشارند. امیدواریم حداقل در صفوف آنها روند مرتبط تری به مبارزه سر راست جنبش سوسیالیستی طبقه کارگر شکل بگیرد و هر چه بیشتر بتوانیم تحولات پیشرو و آینده سیاسی ایران را به نفع پیروزی جامعه سرکوب شده و طبقه کارگر و سوسیالیسم به سر انجام برسانیم، در این راستا یکبار دیگر دست همکاری و تلاش مشترک برای هر جریان مسئول و انقلابی و فعالین کارگری و سوسیالیست و کمونیست دراز میکنیم.

توجه رهبران عملی و فعالین پیشرو جنبش سوسیالیستی کل طبقه، از جمله در مراکز مهم صنعتی کشور را، به خطیر بودن اوضاع جنبش مان، به ضرورت به میدان آمدن در این نبرد اقتصادی با پرچم و مطالبه واحد، به ضرورت اقدام فوری و متحد طبقاتی علیه شورايعالی کار و دولت جمهوری اسلامی و سرمایه داران ظالم و زالو صفت فرا میخوانیم.

آدرس مایل و تلفن تماس با تشکیلات خارج کشور حزب سوسیالیست انقلابی:

ssaid1268@yahoo.no

004745916488

نشریه شنبه ها

منتشر میشود

روزهای شنبه هر هفته نشریه "سوسیالیسم امروز" منتشر میشود. آخرین زمان برای ارسال مطالب برای نشریه روزهای پنجشنبه هر هفته است.

موازین انتشار

مقالات در نشریه

سوسیالیسم امروز:

- سردبیر در انتشار، رد و ویرایش مقالات آزاد است!
- مقالاتی در این نشریه منتشر میشوند که تنها برای این نشریه فرستاده شده باشد.
- مسئولیت مقالات با نویسندگان آن است.
حداکثر حجم مطلب منتشره در نشریه دو صفحه آ ۴ با فونت ۱۲ میباشد.

مقالات و گزارشات خود را لطفا به این آدرس ایمیل بفرستید:

S_zijji@yahoo.se

به ما کمک مالی کنید

از طریق این شماره حساب کمک های مالی خود را برای ما بفرستید.

SWEDEN
SEB BANK
50550056411

هر میزان از کمک مالی شما انسانهای مبارز و دلسوز مستقیما به پیشرفت ما در جهت گسترش مبارزه خود برای آزادی و برابری و تداوم مبارزه همه جانبه تر خود به منظور سرنگونی جمهوری جنایتکار اسلامی کمک فوری خواهد کرد.

اخراج و بیکارسازی موقوف!